

جهانشمولی حقوق بشر و حق شرط بر معاهدات حقوق بشری^۱

چکیده

حقوق بشر به عنوان یکی از موضوعات مهم حقوقی بین المللی از انجنان اهمیت جهانی برخوردار شده است که تبدیل به یکی از معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد دولتها شده است و همچنین چگونگی برخورد با آن، بیان کننده جایگاه و اعتبار اخلاقی دولتها در جامعه بین المللی می باشد. با این حال مباحث مربوط به جهانشمولی حقوق بشر با توجه به تنوع باورها، ایدئولوژی ها و فرهنگ ها ی مختلف در جوامع امروزی به اندازه اهمیت رعایت آن، همیشه مطرح بوده است.

اما به نظر اغلب، حق های بشری تصریح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر نه تنها هیچ منافاتی با تنوع فرهنگی موجود در جوامع ندارد، بلکه یکی از مهمترین امتیازات حقوق بشر این است که در جهان متنوع و بشدت متکثر میتواند دیدگاه واحد و رویه ای یکسان در برخورد با انسان ایجاد کند و این مقاله در پی تاکید و بررسی بر این موضوع می باشد.

بیان مسئله

حقوق بشر به عنوان مجموعه ای از حق های اساسی که بدون آن حیثیت، کرامت و حیات انسان معنای واقعی خود را از دست میدهد، محصول دوره ی طولانی حیات سیاسی و اجتماعی انسان در جوامع مختلف بوده است. همانطور که تحولات جوامع در طول سالیان دراز سبک زندگی انسان ها را تغییر داده است بر باورها و ارزش های مورد قبول آنها نیز تاثیرات عمیقی برجای گذاشته است. و باورها و اعتقاداتی بوجود آورده است که ریشه مشترک در تمام جوامع انسانی دارد. قبول حقوق بشر به عنوان حق هایی جهانشمول، اساسی و غیر قابل انتقال یکی از این باورهای مشترک است.

اما چگونگی تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سازمانی سیاسی برآمده از جنگ جهانی دوم انهم توسط دولتهایی که اعتبار اخلاقی خود را در جنگ از دست داده بودند نه تنها سوالاتی در مورد اعتبار و جهانی بودن این اعلامیه مطرح کرده است بلکه ممکن است این گمان را دامن زند که ابزاری دیگر در راستای مدیریت دنیای پس از جنگ بوده است.

برخی معتقدند دنیای متکثر نیاز به قوانین و حقوق متنوع نیز دارد که جهانشمولی حقوق بشر میتواند در تضاد یا ان باشد. در این مقاله تلاش شده به این سوال جواب داده شود « ایا جهانشمولی حقوق بشر با توجه به تنوع جوامع

^۱ خداداد وطن خواه، ماستر حقوق بین الملل، پژوهشگر و استاد دانشگاه.

انسانی، باورها و اعتقادات مختلف آنها امکان پذیر و قابل توجیه است؟» جواب به این سوال امکان حق شرط و قابل قبول بودن آن را نیز به لحاظ حقوقی مشخص میکند.

مقدمه

اصطلاح حقوق بشر^۲ نسبتاً جدید است و فقط پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد^۳ وارد مراودات روزمره شده است. این عبارت جایگزین اصطلاح حقوق طبیعی^۴ و حقوق انسانی^۵ گردیده که قدمتی طولانی دارند.^۶ به رغم جدید بودن آن، امروزه مسأله حقوق بشر بیش از حد انتظار بین المللی شده و دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی دولتی و غیردولتی را درگیر کرده است؛ به گونه‌ای که اکنون انسان‌ها به این باور رسیده‌اند که دولت‌های دیگر و نیز جوامع بین المللی متعهدند از حقوق شان حمایت کنند. یعنی امروزه موضوع رعایت حقوق بشر از روابط صرف حاکمیت و شهروندان در درون مرزها فراتر رفته است و تبدیل به موضوعی بین المللی شده است.^۷ در حقیقت نظام بین المللی حقوق بشر حاکمیت دولت‌ها را با مجموعه‌ای از معاهدات چند جانبه، از لحاظ سیاسی و حقوقی محدود کرده است و یکی از مولفه‌های تأثیر گذار بر صلح و امنیت بین المللی شده است.

منظور از حقوق بشر چیست؟ مشکلی که در تعریف حقوق بشر وجود دارد ناشی از مفهوم و ماهیت حقوق^۸ است که مناقشات فراوانی در میان فلاسفه حقوق برانگیخته است. اما در بحث از حقوق بشر اولین نکته‌ای که باید تذکر داد این است که افراد در جوامع مختلف تابع صلاحیت‌های نظام‌های حقوقی گوناگون است که حقوق و تکالیف آن‌ها را معین می‌کند. به عبارتی افراد انسانی از حقوق متنوعی همانند حقوق شخصی، خانوادگی، مدنی، تجاری و ... برخوردارند. اما **سؤال**ی که مطرح می‌شود این است آیا همه این حقوق جزء حقوق بشر است؟ قطعاً چنین نمی‌باشد.^۹ پاسخ ساده‌ای که به این **سؤال** می‌توان داد این است که حقوق بشر جزء حقوق بنیادین و غیر قابل انتقال تلقی می‌شود، حقوقی که زیستن نوع بشر بر پایه آن استوار است. حقوق بشر نه به معنای حقوقی که افراد بشر دارند، بلکه به معنای حقوقی است که انسان‌ها صرفاً به دلیل انسان بودن از آن برخوردارند. یعنی برای برخورداری از آن حقوق شرایط گوناگون اجتماعی، سیاسی و مذهبی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه فقط انسان بودن کافی است.^{۱۰} به همین دلیل حقوق بشر به لحاظ سرشتی که دارد باید جهانی باشد و زمان و مکان نمی‌شناسد. از این رو جهانشمولی^{۱۱} یکی از ویژگی‌های مهم حقوق بشر است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بدان تأکید شده است و منشاء اقتدار حقوق بشر نیز از آن است.

^۲ Human Rights

^۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با ۴۸ رای مثبت و ۸ رای ممتنع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید.

^۴ Natural Rights

^۵ Rights of Man

^۶ محمد حبیبی مجنده، مبانی فلسفه حقوق بشر، مجله نامه مفید، قم، تابستان ۱۳۷۹، ش ۲۲.

^۷ مجید عباسی اشلقی، تحول نظری مفهوم حقوق بشر و جایگاه آن در حقوق بین الملل، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، تهران، ش ۲۰۱-۲۰۲.

^۸ Rights

^۹ محمد حبیبی مجنده، پیشین.

^{۱۰} سید ابراهیم حسینی، هویت، تفاوت‌ها و جهانشمولی حقوق بشر، مجله مفید، قم، پاییز ۱۳۸۴، ش ۳۶.

^{۱۱} Universality

الف: نشانه‌های جهانشمولی حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر

مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر در سه اصل کلی و عمومی «آزادی فکر و عقیده و بیان فکر و عقیده»، «مساوات همه انسان‌ها در حقوق و تکالیف» و «مشارکت همه انسان‌ها در ساختن زندگی اجتماعی» خلاصه می‌شود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، انسان از آن نظر که انسان است برای او حق آزادی فکر، ایده، بیان و مساوات در حقوق و تکالیف در تنظیم زندگی سیاسی و اجتماعی پیش بینی شده است. در حقیقت سخن گفتن از حقوق بشر مقدم بر این مطلب است که انسان‌ها تابع کدام فرهنگ و یا دین هستند، چه نژاد و چه ملیتی دارند، در شرق عالم زندگی می‌کنند یا در غرب عالم. بحث حقوق بشر بر بحث ادیان مختلف، فرهنگ‌های مختلف قومیت‌های مختلف و مانند این‌ها مقدم است.^{۱۲} اعلامیه با تأکید بر وحدت نژاد انسانی و برابری همه انسان‌ها در ماده ۱ خود اشعار می‌دارد: «همه انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و از حیث کرامت و حقوق با هم برابر اند». بر مبنای این اصل مواد بعدی اعلام می‌دارند یا «همه» از برخی حقوق بر خوردارند یا «هیچکس» نباید در معرض رفتار و برخورد تبعیض آمیز برخلاف مبانی فلسفی اعلامیه قرار گیرد. تساوی و عدم تبعیض در ماده (۱) ۲ مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است. آنجا که فهرست طولانی از زمینه‌های تمایز و تفاوت بیان می‌شود، اعمال هر نوع تمایز بر مبنای نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت و یا هر موقعیت دیگر غیر قابل قبول تلقی می‌شود. بنا بر این اعلامیه مانیفیستی است که از جهانشمولی حقوق بشر دفاع می‌کند.^{۱۳}

در اعلامیه برابری فارغ از هرگونه قید و شرط است و تمام اسناد بعدی ناظر بر حمایت از حقوق بشر از همین دیدگاه پیروی کرده‌اند. دو میثاق بین‌المللی ۱۹۶۶ نیز قالب زبانی و عبارت پردازی مورد استفاده در اعلامیه جهانی را پذیرفته‌اند. میثاق مدنی-سیاسی از عبارت «همه انسان‌ها» ماده ۶، همه ماده ۹(۱)، ۲۱(۱)، ۱۴، ۳، ۵(۲)، ۱۷، ۱۶(۲)، ۱۸(۱)، ۲۲، ۱۹ و همه اشخاص ماده ۱(۱) و ۱۴(۱) و ۲۶ و هرکس مواد ۶(۴) و ۹(۲-۵) یا عبارت «هیچکس» مواد ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۷(۱) و ۶ استفاده کرده و آنجا که از این عبارات عدول می‌شود، دلایل آن به ماهیت حقوق مربوطه معطوف می‌شود.^{۱۴}

بررسی مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر را نمی‌توان جدای از دلایل و شرایط ایجاد آن مورد توجه قرار داد. حقوق بشر و میثاق‌های مربوطه و معاهدات متعدد آن محصول تجربیات قرن بیستم است. دو جنگ جهانی و کشته شدن میلیون‌ها انسان، بلایای عظیمی که انسانیت دچار آن شد، متفکران، سیاستمداران و انسان دوستان را بر آن داشتند که اصولی را به صورت مدون، معین و منظم بیان کنند که بتوان با آنها معیارهای روشن مراعات کرامت و شرافت انسانی را به جهان اعلام کرد.

در عصر ما بحث از حقوق بشر، بحث از بنیادهای اساسی زندگی اجتماعی است. این بحث به فرهنگ خاصی اختصاص ندارد و از دو نظر یک بحث جهانی است:

اولاً؛ از این نظر که می‌خواهد حقوق انسان را از آن نظر که انسان است در این مرحله خاص از تحولات اجتماعی انسان در قرن بیست و یکم در متن جامعه و تاریخ معین کند، نظر به انسان شرقی یا غربی، مومن یا بی‌ایمان، مرد یا زن ندارد، بلکه منظورش افراد انسان است که در هر جای جهان وجود دارد.

^{۱۲} شبستری، محمد مجتهد، نقدی بر قرائت رسمی از دین، طرح نو، تهران. چاپ دوم ۱۳۸۱، صص ۲۰۱-۲۰۲.

^{۱۳} تاموشات، کریستیان، کتاب حقوق بشر، ترجمه دکتر حسین شریفی طراز کوهی، نشر میزان، تهران. بهار ۱۳۸۶، ص ۱۵۳.

^{۱۴} همان ص ۱۵۴

ثانیا؛ از این نظر جهانی است که می‌خواهد حقوقی مشخص را معین کند که این قابلیت را داشته باشد که در سراسر جهان مورد وفاق نسبی قرار گیرد و بتوان نهادینه شدن آن را در همه جامعه‌ها درخواست کرده و بشود در همه جا به آن استناد کرد و با استناد به آن حقوق، ستم و خونریزی را محکوم کرد و هم دولت را به مراعات آن حقوق مؤظف و هم ملت‌ها را به مطالبه آن ترغیب کرد.^{۱۵}

حقوق بشر به معنای «حقوق آزادی» بیان تجربه‌های مشخصی از فقدان آزادی است. حقوق بشر را می‌توان مجموعه‌ای از نیازهای شدید و ضرورت‌ها دانست. نیازهایی که به واقعیت‌های مشخصی چون (زندگی، ازدواج و خانواده مربوط می‌شود و یا به مناسبات تعیین کننده و عام. کنار آمدن انسان‌ها با یکدیگر در روند زندگی اجتماعی، سیاسی و مناسباتی که بدون آن‌ها شکوفا ساختن انسان‌ها غیرقابل تصور می‌باشد. این بدان معنی است که حقوق بشر صرفاً مجموعه‌ای از افکار اخلاقی نیست، مطالبه مجموعه‌ای از «حقوق» است. در حقیقت نیروی اختصاصی و اثرگذار حقوق بشر در این است که این حقوق در پی آن است که برای موجودیت انسان با حفظ همه ابعاد کرامت و آزادی، یک تضمین حقوقی تأمین کند و برای آن یک چارچوب اجتماعی به رسمیت شناخته و پدید آورد^{۱۶} که البته تا حدود زیادی در دستیابی به این مهم توفیق یافته است.

توجه به زمینه تاریخی احساس نیاز به تدوین اعلامیه حقوق بشر این موضوع را روشن می‌سازد که تدوین اعلامیه اقدامی ناشی از ضرورت تاریخی به منظور محدود ساختن جنگ‌ها و خونریزی‌ها و ستم‌گریها بوده است و نه ناشی از یک سلسله مباحث انسان‌شناسانه فلسفی یا دینی و مانند آن. هدف از تصویب اعلامیه توافق بر سر مسایل فلسفی یا دینی مربوط به انسان نبوده است. چنین توافقی هیچ‌گاه حاصل نخواهد شد. اعلامیه راه حل یک توافق عملی اجتناب‌ناپذیر برای به رسمیت شناختن حرمت و کرامت انسان در هر شرایط و بدون هیچ استثنا و تبعیض را نشان می‌دهد و کاری به اختلاف نظرهای موجود در انسان‌شناسی فلسفی و دینی قدیم و جدید ندارد. از همه مهمتر این که چنانچه «رنه کاسن» گفته است: «حقوق بشر در ارتباط انسان با انسان معنا و اعتبار دارد و نه در ارتباط با انسان با خداوند».^{۱۷}

ب: جهانشمولی حقوق بشر؛ تقابل فرهنگ‌ها و ارزش‌های ملیت‌های گوناگون!؟

کارایی و موثر بودن هر نظام حقوقی، در وجه اول بستگی به این دارد که قواعد نظام حقوقی از سوی تابعان آن مورد پذیرش قرار گیرد. اگر تابعان حقوق قواعد وضع شده را منطقی، عادلانه، ضروری یا لازم بدانند براحتمی به اجرای آن تن می‌دهند و حتی در موارد تخلف، پذیرای ضمانت اجرای آن خواهند بود.^{۱۸} یکی از جنجالی‌ترین مباحث در حوزه اکادمیک حقوق بشر بحث جهانشمولی آن است. این که آیا حقوق بشر ریشه در فرهنگ و تمدن غربی دارد و عاری از ارزش‌های ملل دیگر است یا این که تمام ملل به نوعی از بعد تاریخی و فرهنگی با اصول مطروحه حقوق بشری تفاهم و اشتراک دارند، در این زمینه مباحث زیادی را مطرح کرده‌اند.

سرچشمه نظام حقوق بشر در صحنه بین‌المللی و روابط بین کشورها اعلامیه جهانی حقوق بشر است. بنا بر این جهانشمولی اعلامیه و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، نقطه آغازین خوبی برای بحث است. این که کشورها تا چه اندازه به این اعلامیه توجه داشته، چه تعداد به آن رای مثبت داده و از کدام مناطق دنیا بوده اند امری قابل تأمل است که به تصدیق یا عدم تصدیق جهانشمولی حقوق بشر می‌انجامد.

^{۱۵} شبستری، پیشین ص ۲۲۱

^{۱۶} همان ص ۲۲۵

^{۱۷} همان ص ۱۲۶

^{۱۸} محمد حبیبی مجنده، پیشین.

هرچند اعلامیه در سال ۱۹۴۸ با حضور ۵۸ کشور تصویب شد (۴۸ رای مثبت و ۸ رای ممتنع) که برخی مخالفان این تعداد از کشورها را نشانه نوعی «تولد ضعیف» اعلامیه می‌دانند و معتقدند اکثریت کشورهای آسیایی و آفریقایی در تدوین اعلامیه نقشی نداشتند، اما در جواب می‌توان گفت، با توجه به لیست کشورهای حاضر در سال ۱۹۴۸، از تمام نظام‌های حقوقی کلان دنیا نمایندگان قابل توجهی حضور داشتند و دیگر این که میثاقین در سال ۱۹۶۶ با حضور ۱۲۲ کشور تصویب شد که عمدتاً کشورهای آسیایی و آفریقایی بودند. و امروزه میثاق حقوق مدنی- سیاسی بیش از ۱۵۰ کشور و میثاق حقوق اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی بیش از ۱۴۶ عضو دارد و روز به روز به تعداد اعضای آنها افزوده می‌گردد.^{۱۹}

تأثیر اعلامیه بر قوانین اساسی کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، ترتیبات منطقه‌ای از دلایل تأیید جهانشمولی آن است. سازمان وحدت آفریقا در ماده ۲ میثاق «ادیس ابابا» ۱۹۶۳، اعلامیه را یکی از وسایل اصلی برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی برشمرده است. شورای اروپا در کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (رم ۱۹۵۰) اعضا را به رعایت اعلامیه فرا خوانده است. موافقتنامه آمریکایی حقوق بشر «سان خوزه دو کاستاریکا» ۱۹۶۹ نیز اعلامیه را به عنوان اصول مورد توجه خویش اعلام کرد. همچنین سازمان امنیت و همکاری اروپا در اعلامیه «هلسینکی» ۱۹۷۵ در بخش هفتم به اهمیت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی توجه کرده است. هم-چنین اعلامیه بر میثاق عربی حقوق بشر ۱۹۸۶ و اعلامیه حقوق بشر اسلامی ۱۹۹۰ نیز اثرگذار بوده است. در سند نهایی اجلاس جنبش عدم تعهد در سپتامبر ۱۹۹۲ جا کارتا نیز جهانی بودن حقوق بشر تأیید شده است. در دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر (پس از جنگ سرد) در شهر وین با حضور ۱۷۱ کشور که به تصویب «اعلامیه و برنامه عمل وین ۱۹۹۳» منجر شد، در بند ۱ اعلامیه مزبور آمده است: سرشت جهانشمولی این حقوق و آزادی‌های اساسی انکار ناپذیر است. همچنین در ششمین نشست ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در آسیا و اقیانوسیه، تحت عنوان «کارگاه حقوق بشر تهران» از ۲۸ فوریه تا مارچ ۱۹۹۸ با تأیید اعلامیه وین ۱۹۹۳، جهانشمولی حقوق بشر، تجزیه ناپذیری و ارتباط متقابل انواع حقوق بشر با یکدیگر را همراه با احترام نسبت به سرمایه‌های افتخار آمیز فرهنگی، دینی و قومی این منطقه در باره حقوق بشر تأیید کردند. هرچند در این کنفرانس‌ها همواره برخی از کشورها ملاحظات خاص خود را در مورد اعلامیه و میثاقین مطرح می‌کردند اما این ملاحظات به معنی خدشه به جهانشمولی حقوق بشر دانسته نمی‌شود. به گفته آقای «پطروس غالی» در کنفرانس وین، زبان حقوق بشر به طور نسبی یک شکل شده است، ولو این که برخی کشورها با آن سازگار نیستند.^{۲۰}

تنوع فرهنگی یا تفاوت ارزشها

با وجود این پرسش‌هایی مطرح می‌شود آیا ممکن است واقعا معیاری مشترک برای بشریت به طور کلی وجود داشته باشد؟ (تانوشات ۱۵۵) مسأله جهانشمولی حقوق بشر در پرتو تنوع فرهنگی موجود در جهان از زمان تصویب اعلامیه در سال ۱۹۴۸ تا به امروز در سیاست، دکترین و رویه قضایی بین‌المللی مطرح بوده است و هست و موضوعی نیست که بشود به این زودی‌ها نقطه پایانی بر آن نهاد. با پیشنهاد آقای رنه کاسن^{۲۱} در اعلامیه بجای کلمه «بین‌المللی» از کلمه «جهانی» استفاده گردید که نشانگر گستره جهانی آن باشد نه منوط به توافق بین دولت‌ها. اعلامیه در جای جای خود، برابری در حقوق را برای کلیه انسان‌ها اعلام می‌دارد، این به آن معناست که باید هویت‌ها و تفاوت‌ها نیز لحاظ شوند. بدین ترتیب ادعای حق بر متفاوت بودن مطرح است. این یک حق اساسی است در صورتی

^{۱۹} تاموشات. پیشین ص ۱۶۱

^{۲۰} مهدی ذاکریان امیری، جهانشمولی حقوق بشر در نظام نوین بین‌المللی، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق، تهران. زمستان ۱۳۷۷، ش ۸.

^{۲۱} Rene Casin

که بخواهیم هویت هر فرد به عنوان یک واقعیت مؤثر و قطعی لحاظ شود. اعلامیه در ماده یک خود اعلام می‌دارد: «کلیه انبای بشر آزاد و برابر در کرامت و حقوق متولد می‌شوند» که در حقیقت هدف اصلی از صدور اعلامیه کسب شناسایی جهانشمولی آن است.^{۲۲} دو کنفرانس بین‌المللی ملل متحد در مورد حقوق بشر، در تهران ۱۹۶۸ و وین ۱۹۹۳ بر مسأله جهانشمولی حقوق بشر و مفهوم این حقوق صحه گذاشته شد. بند دوم اعلامیه تهران (۱۳ مه ۱۹۶۸) اعلام می‌دارد: اعلامیه جهانی حقوق بشر بیانگر اعتقاد مشترک کلیه ملل عالم به حقوق غیرقابل انتقال و غیرقابل نقض و ذاتی تمام اعضای خانواده بشری می‌باشد و برای کلیه اعضای جامعه جهانی ایجاد تکلیف می‌کند.

اعلامیه وین^{۲۳} پس از ۲۵ سال از صدور اعلامیه تهران اعلام می‌دارد که مبنای مشترک این حقوق در کرامت انسان نهفته است. در بند دوم پیشگفتار خود اشاره دارد که: کلیه حقوق بشر ناشی از کرامت و ارزش ذاتی انسان است و بند اول اعلامیه می‌افزاید: ویژگی جهانی این حقوق و آزادی‌ها غیرقابل اعتراض هستند. بند ۵ اعلامیه وین به طور کامل به مسأله مورد نظر ما می‌پردازد: کلیه حقوق بشر جهانی، غیرقابل تفکیک، وابسته به هم در پیوند کامل با یکدیگر می‌باشند. جامعه جهانی باید حقوق بشر را در کلیت خود، به طور منصفانه، معتدلانه، و برپایه برابری اجرا نماید و اهمیت یکسانی برای شان قایل باشد، ضمن آن که مناسب است اهمیت و ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و تنوع تاریخی، فرهنگی و مذهبی نادیده انگاشته نه شود. این تکلیف دولت‌هاست که صرف‌نظر از نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را تشویق، ترغیب و حمایت نمایند. هم‌چنین مهمترین اسناد ملل متحد در قلمرو حقوق بشر مانند اعلامیه پکن مصوب کنفرانس جهانی ۱۹۹۵ زنان (بند ۱۴، ۹ و ۲۳) و اعلامیه و کنوانسیون حقوق کودک هرگونه تبعیض برای بهره‌مندی از حقوق اعلام شده را مردود اعلام می‌کند و تأکید می‌کند هیچ‌گونه ویژگی فرهنگی، سرزمینی، مذهبی یا منطقه‌ای نمی‌تواند لطمه‌ای به آن‌ها وارد کند؛ زیرا آن‌ها الزامات جهانی می‌باشند و برخی از تفاوت‌ها هم در صورتی امکان پذیر است که مغایر با حقوق بنیادین نباشد.^{۲۴} سایر اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نظیر اعلامیه امریکایی حقوق بشر ۱۹۴۸ و کنوانسیون امریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ نیز حامی این اصول و حقوق می‌باشند.

در مورد یونسکو اشاره به این نظرات از اهمیت خاصی برخوردار است. سند مؤسس سازمان یونسکو، «همبستگی معنوی و اخلاقی بشریت» را مطرح می‌کند (بند ۵). این همبستگی مبتنی بر کرامت و برابری کلیه انسانها، بدون هیچ‌گونه تبعیضی می‌باشد (بند ۳). در میان اصلی‌ترین اهدافی که سازمان تعقیب می‌کند: «تضمین رعایت جهانی عدالت، قانون، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین» بدون تفکیک بر اساس نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب (ماده ۱، بند ۱) خود نمایی می‌کند. هم‌زمان «تنوع خلاق» فرهنگ‌های دولت‌های عضو نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

هم‌چنین کنفرانس عمومی سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد (یونسکو)، دو اعلامیه با اهمیت بسیار زیادی در مورد جهانشمولی حقوق بشر تصویب نموده است. یکی اعلامیه جهانی در مورد «ژنوم انسانی و حقوق بشر» است که در ماده یک اعلام می‌دارد: ژنوم انسانی به نوعی تجلی وحدت بنیادین کلیه اعضای خانواده بشری و هم‌چنین شناخت کرامت و تنوع آن می‌باشد و در فضای سمبولیک، ژنوم انسانی میراث مشترک بشریت است. دیگری اعلامیه مربوط به مسئولیت نسل‌های حاضر نسبت به نسل‌های آینده می‌-

^{۲۲} هکتور گروس الپین، جهانشمولی حقوق بشر و تنوع فرهنگ‌ها، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، تهران. پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ش ۳۸.

^{۲۳} این اعلامیه با حضور ۱۷۱ کشور تصویب شد.

^{۲۴} همان

باشد که مبانی خود را در «جاودانگی بشریت و در احترام به کرامت انسان» می‌یابد (ماده ۱۱). بدین ترتیب اصل جهانشمولی حقوق بشر، تکالیف نسل‌های حاضر و حقوق نسل‌های آینده، جوهره ذاتی این اعلامیه را تشکیل می‌دهد.^{۲۵}

با وجودی که اکثریت قریب به اتفاق کشورها از چارچوب کلی و ارزش‌های مندرج در اعلامیه حمایت کرده‌اند، با این حال در برخی از کنفرانس‌های بین‌المللی شاهد اعتراض‌هایی نیز به قلمرو قواعد حقوق بشر بوده‌ایم. در اجلاس بانکوک دولت مردان آسیایی تلاش می‌کردند، زمینه و فضایی برای ظهور اندیشه‌های خاص آسیایی حقوق بشر را فراهم کنند؛ اما سازمان‌های حقوق بشری این کشورها به چیزی غیر از رعایت کامل حقوق فردی ملحوظ در اسناد جهانی حقوق بشر رضایت نمی‌دادند.^{۲۶} هم‌چنین برخی معتقدند طرح نظریه حقوق بشر اسلامی در واقع تبصره‌هایی است بر «حق شرط» مسلمانان در پذیرش حقوق بشر، ولی در میان نو اندیشان دینی و صاحب‌نظران متمایل به نوگرایی دینی، حقوق بشر در واقع بیان‌کننده و توضیح‌دهنده «این زمانی» اندیشه دینی است. آنان حقوق بشر را روح دین و تبلور خواست و آرمان ادیان در جامعه انسانی می‌دانند و به همین لحاظ، اساساً دین را در برابر اصول، مبانی و فروض حقوق بشر نمی‌دانند، بلکه در مسیر و همراه با آن قلمداد می‌کنند و معتقدند تحقق این اصول گامی است به سوی سلامت جامعه و دین‌مداری آن.^{۲۷}

هرچند برخی با استناد به ارزش‌ها و احکام مذهبی جهانشمولی بودن حقوقی را که در اعلامیه و دیگر اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر آمده است را رد می‌کنند، اما همان طوری که در ماده یک اعلامیه آمده است، مبنای حقوق بشر بر اساس کرامت انسانی بنا شده است و کرامت انسان از آن دسته مفاهیمی است مشترک میان ادیان و فرهنگ‌ها است که در هر عصری مصداق‌های خودش را پیدا می‌کند. این مفهوم مانند عدالت است. کرامت انسان در عصر حاضر، مصداق‌های معین خودش را دارد. این مصداق‌ها همان است که مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق انسان‌های آگاه و با بصیرت جهان حاضر قرار گرفته و در اعلامیه حقوق بشر منعکس شده است.

در عصر حاضر توجه به «شخص بودن» هر انسان باب جدیدی را در انترپولوزی فلسفی و الهیات مسیحی گشوده است. کلیسای کاتولیک که تا سال ۱۹۶۴ از مخالفان حقوق بشر بود با پذیرش شخص بودن هر انسان، راهی بروی پذیرش حقوق بشر از نظر الهیات مسیحیت گشود و در مصوبات مجمع واتیکان ۲، در همان سال‌ها آن را پذیرفته است. کلیسای کاتولیک تا مجمع واتیکان ۲ معتقد بود از نظر الهیات مسیحی نمی‌توان گفت: بی‌دینان با دینداران و مسیحیان با غیرمسیحیان، از نظر سیاسی و اجتماعی می‌توانند حقوق اساسی مساوی داشته باشند. کلیسا معتقد بود این حقوق بالاصاله از آن طرفداران «حق» و «حقیقت» است و دیگران بالعرض از حقوق محدودتری می‌توانند بهره‌مند شوند. «حق ناحق بودن» برای کلیسای کاتولیک تا آن‌جا معنا داشت که با حقوق بالاصاله گروه اول برابری نه کند.

در واتیکان ۲ این نظریه مطرح شد که خداوند هر فرد انسان را قطع نظر از دین او به عنوان یک «شخص» می‌پذیرد و این شخص بودن می‌تواند این معنا را داشته باشد که هر فرد انسان قطع نظر از دین و آیینش «حرمت شخصی» دارد و این حرمت را می‌توان این‌گونه معنا کرد که او دارای حقوق اساسی، اجتماعی و سیاسی مساوی و برابر با هر انسان دیگر است؛ همان‌گونه که در حقوق بشر آمده است. البته خداوند از هر فرد انسان می‌خواهد که در درون همان حریم شخصی‌اش پیام خداوند را گوش کند و در زمره مومنان درآید. بدین ترتیب کلیسای کاتولیک حقوق بشر را پذیرفت.^{۲۸}

^{۲۵} همان.

^{۲۶} تاموشات، پیشین ص ۱۸۷.

^{۲۷} سعدی مدنی، حقوق بشر حداقلی یا حداکثری، مجله بازتاب اندیشه، تهران، تیرماه ۱۳۸۵، ش ۷۵.

^{۲۸} شبستری، پیشین صص ۳۰۹-۳۱۰.

در اسلام یک طرف خدای خطاب کننده وجود دارد و یک طرف انسان شنونده خطاب. در این تصویر ارتباط انسان و خدا، شخص بودن هر فرد انسان به عنوان مخاطب و شنونده پیام خداوند بارزتر از مسیحیت است. در این تصویر هر فرد انسان یک «شنونده» مستقیم و بی واسطه خداوند است. اگر خداوند مستقیماً به هر انسان خطاب می کند، پس «شخص بودن» او را می پذیرد. چگونه ممکن است به کسی خطاب کرد و از او شنیدن طلب نمود، اما او را یک «شخص» به حساب نیاورد؟ در تصویر اسلامی خداوند به فرد انسانها صرفاً از آن نظر که انسان است، مستقیماً خطاب می کند. استناد به این واقعیت در فضای الهیات، بروی ما مسلمانان افقی را می گشاید که شخص بودن هر فرد انسان را قطع نظر از دین و آیین او بپذیریم و برای او حریم شخصی قایل شویم. این تقریر، تفسیر ما در عصر حاضر از کرامت انسان است. این تفسیر ما را دعوت به پذیرفتن حقوق بشر معاصر می کند.^{۲۹}

در حقیقت این گونه دیدگاه نسبت به انسان در تمام ادیان الهی آمده است. در همه ادیان، انسان موجودی ارزشمند، با کرامت و به عبارتی مقدس نگریسته شده است. در عهد عتیق آمده است که آدم «در صورت الهی» آفریده شده است و این یعنی موجودات انسانی «مهری الهی» بر پیشانی دارند که ارزش والایی به آن‌ها می بخشد. قرآن هم در این زمینه می فرماید: «ما به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم.»^{۳۰} در کتاب «بهاوارگیتا» آمده است: «هر آن که پروردگار خویش را در اندرون مخلوقی می بیند که بدون مرگ و زوال در میان دنیای فانی زندگی می کند، هموست که به حقیقت می بیند...»^{۳۱}

به رغم باور برخی‌ها جهانشمولی حقوق بشر و پذیرش اصل مفهوم مشترک در جای خود موجب عدم شناسایی واقعیت و غنای تنوع فرهنگ‌ها نمی شود. این تفاوت‌ها نفی جهانشمولی حقوق بشر نیستند، بلکه بر عکس مشارکت مهمی در جهانی شدن واقعی حقوق بشر دارند. این کثرت‌گرایی می تواند و باید اساس نظام‌های مختلف شناسایی و حمایتی، در سطح ملی و بین المللی و بسیاری از عوامل، متمایز کننده دیگری که مشتق از این ویژگی‌ها هستند، قرار گیرد. اما این تنوع‌ها و تفاوت‌های فرهنگی واقعی و غنابخش، هرگز نمی - توانند به جوهره اصلی جهانشمولی حقوق بشر و هم چنین به اندیشه پذیرفته شده جهانی که طبق آن انسان به لحاظ کرامت خود حقوقی را داراست که باید توسط حقوق داخلی و حقوق بین الملل شناسایی، تشویق، تضمین و حمایت شوند، لطمه‌ای وارد کنند.^{۳۲} هر چند نمی توان منکر تفاوت‌های فرهنگی بین جوامع مختلف شد، اما دلایل زیادی از این واقعیت حمایت می کند که اتکا بر ارزش‌های ملی یا منطقه‌ای بیشتر به عنوان یکی از ابزارها و دستاویز سیاسی به کار رفته تا این که انگیزه‌هایی برای مقابله با از دست رفتن هویت ملی تحت فشار ارزش‌های بین المللی فروکش نه کند. در این ارتباط اظهار نظر کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد آموزند است، وی می گوید: هرگز مردم نبوده‌اند که جهانی شدن حقوق بشر را زیر سوال برده باشند، مردم نبوده‌اند که حقوق بشر را به عنوان سوء استفاده غرب یا شمال تلقی کرده باشند، اغلب رهبران سیاسی بوده‌اند که این گونه رفتار کرده‌اند.^{۳۳}

ج: حق شرط^{۳۴} بر معاهدات حقوق بشری

^{۲۹} همان، صص، ۳۱۰-۳۱۱.

^{۳۰} سوره اسراء، آیه ۷۰.

^{۳۱} مبانی فلسفی حقوق بشر، پیشین.

^{۳۲} جهانشمولی حقوق بشر و تنوع فرهنگ‌ها، پیشین.

^{۳۳} تاموشات، پیشین، ص ۱۸۷.

بر اساس جزء (د)، بند ۱ از ماده ۲ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین، حق شرط، اعلامیه یک جانبه‌ای است که کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی تحت هر عنوانی در هنگام اعلام رضایت خود در قبال معاهدات صادر می‌کنند و منظور خود را در خصوص مستثنی کردن یا تغییر دادن اثر حقوقی برخی از مقررات معاهده در هنگام اجرا اعلام می‌کنند. بنابراین عبارت «برخی از مقررات» در حقوق معاهدات بیانگر این واقعیت است که حق شرط صرفاً می‌تواند بعضی از مواد معاهده را تحت تاثیر قرار دهد نه تمام آن را. یعنی طرف شرط کننده باید معاهده را در کل بپذیرد، اما از طریق حق شرط دامنه شمول تعهدات خود را محدود یا تغییر دهد. در نتیجه حق شرط باید جزئی باشد و حق شرط‌های کلی و عام ممنوع است. زیرا در تضاد با فلسفه وجودی حق شرط است. حق شرط به این منظور در نظر گرفته شده که راهی برای افزایش طرفین معاهدات باز گذاشته شود. بنا بر این اگر حق شرط کلیت یا تمامیت معاهده را زیر سوال ببرد دیگر حق شرط نمی‌باشد.^{۳۵} به عبارتی دیگر، حق شرط باید صریح، روشن، مشخص و منجز باشد و امکان حق شرط‌های مشترک توسط جمعی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی نیز امکان پذیر است.

اما با توجه به فلسفه وجودی حق شرط، در زمان صدور اعلامیه حق شرط باید شرایطی چند رعایت گردد. حق شرط بر معاهدات چند جانبه قانون ساز و معاهداتی که در بردارنده قواعد آمره بین‌المللی هستند، جای تردید و تأمل است، زیرا چنین عملی با هدف و موضوع این گونه معاهدات در ناهم‌انگهی محض است و این همان نظری است که عهدنامه‌های حقوق معاهدات (بندج، ماده ۱۹) بیان کرده است. در مقابل، انشاء حق شرط بر معاهدات چند جانبه قراردادی یا خاص مناسب و رواست. از شرایط دیگر حق شرط این است که در معاهده منع نشده باشد و سکوت معاهده به معنی جواز آن است. (ماده ۱۹) بنا بر این در زمان صدور اعلامیه حق شرط در نظر گرفتن مواد معاهده الزامی است.^{۳۶} هم‌چنین قاعدتاً حق شرط نباید با هدف و موضوع معاهده در تضاد باشد زیرا در غیر این صورت فلسفه پیوستن به معاهده را از بین می‌برد.

در رابطه با مطابقت حق شرط وارده با موضوع و هدف معاهده، برخی از معاهدات قیود خاصی را در نظر گرفته‌اند. در عهدنامه امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۵ آمده، حق شرط در صورتی مغایر با موضوع و هدف معاهده تلقی می‌شود که حداقل دوسوم طرف‌های معاهده با آن حق شرط معترض باشند. (ماده ۲۰) هم‌چنین در برخی از معاهدات آمده، حق شرط که مغایر با موضوع و هدف معاهده باشد در زمره حق شرط‌های ممنوعه است. (از جمله ماده ۵۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹)

در رابطه با جواز حق شرط بر معاهدات حقوق بشری اختلاف نظرهایی وجود دارد؛ زیرا معاهدات حقوق بشری متشکل از معاهدات متعددی است که در مورد برخی از آنها اجماع جهانی وجود دارد مبنی بر این که آنها جزء تعهدات جهانی و عام الشمول هستند. مانند کنوانسیون منع ژنوساید ۱۹۴۸ که هرگونه حق شرط بر آن غیرمجاز است. ولی در ارتباط با دیگر معاهدات حقوق بشری دیدگاه‌ها متفاوت است. برخی از دولت‌ها مشخصاً دول اسلامی در مواجهه با تعدادی از معاهدات حقوق بشری با معضل جدی مواجه هستند. تا جایی که صدور اعلامیه حقوق بشر اسلامی را نوعی حق شرط بر اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌دانند. از یک طرف تمایل دارند در نزد جامعه جهانی به عنوان کشورهای مرفعی و آگاه جلوه کنند و از طرف دیگر توانایی مقابله و نادیده گرفتن نیروهای محافظه کار داخلی را ندارند. به همین خاطر با استفاده از حق شرط تلاش می‌کنند، نیروی الزام آوری معاهدات حقوق بشری را از رهگذر شروط گسترده و پردامنه کم کنند.

بارزترین نمونه را می‌توان شروط اعمال شده توسط مصر و بنگلادش در خصوص مفاد ماده ۲ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان مثال زد. بنگلادش آشکارا بیان کرد خود را به رعایت مقررات ماده ۲ اگر چنانچه در تعارض با مقررات شرعی مبتنی بر قرآن مجید و سنت باشد،

^{۳۵} ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، نشر گنج دانش، تهران. چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص ۹۳.

^{۳۶} همان، صص ۱۰۱ و ۹۹.

ملزم نمی‌داند و مصر هم با کمی تفاوت اعلام کرد: مطابق این ماده عمل خواهد کرد، مشروط بر این که چنین تعهدی با شریعت اسلام در تعارض نباشد. حتی عربستان سعودی در ۸ سپتامبر ۲۰۰۰ به این کنوانسیون ملحق گردید، اما با این محدودیت که: در صورت تعارض بین هر ماده از کنوانسیون با معیارهای حقوق اسلامی، حکومت پادشاهی متعهد به رعایت تعهدات متعارض آن نیست. پاکستان نیز با شیوه‌ای مبهم پای‌بندی خود را مشروط اعلام کرد. بدین مضمون که: عضویت حکومت جمهوری اسلامی پاکستان به کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان تابع مقررات قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان است. بنا بر این این کشور آشکارا بیان کرده است که تمایلی مبنی بر عدول از سنت‌های حاکم بر جامعه نسبت به زنان نه دارد. اعمال حق شرط‌های مشابه در مورد کنوانسیون حقوق کودک نیز مشاهده می‌شود. کشور جیبوتی پذیرش کنوانسیون را مشروط به «مذهب و ارزش‌های سنتی» کرده است و دولت ایران این امر را به اولویت دادن به قوانین اسلامی منوط کرده است. اندونزی نیز با وجود پیوستن به این کنوانسیون، تعهدات خود بر اساس قانون اساسی را در اولویت قرار داده است.^{۳۷}

با توجه به مفاد این نمونه از حق‌ها، بسیاری از آن‌ها در تضاد مستقیم با اهداف اصلی کنوانسیون‌ها می‌باشد و شرایط «صریح بودن، مشخص بودن و موجز بودن» حق شرط را آشکارا نقض می‌کند. در حقیقت حق شرط‌های کشورهایمانند عربستان و پاکستان بیش از آنکه معنای پیوستن داشته باشند به معنای رد کنوانسیون‌ها می‌باشد. اما جامعه جهانی بنا بر مصلحت تا کنون با چنین حق شرط‌هایی مخالفت نکرده است با این امید که در آینده از آن منصرف شده و حق شرط‌های مورد نظر را پس بگیرند.

منابع

کتاب:

- ۱- شبستری، محمد مجتهد، نقدی بر قرائت رسمی از دین، طرح نو، تهران. چاپ دوم ۱۳۸۱.
- ۲- تاموشات، کریستیان، حقوق بشر، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، نشر میزان، تهران. بهار ۱۳۸۶.
- ۳- ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، گنج دانش، تهران. چاپ سوم، ۱۳۸۵.

مقالات:

- ۱- محمد حبیبی مجنده، مبانی فلسفی حقوق بشر، مجله نامه مفید، قم. تابستان ۱۳۷۹، ش ۲۲.
- ۲- مهدی ذاکریان امیری، جهانشمولی حقوق بشر در نظام نوین بین‌المللی، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق، تهران. زمستان ۱۳۷۷، ش ۸.
- ۳- سعدی مدنی، حقوق بشر حداقلی یا حداکثری، مجله بازتاب اندیشه، قم. تیرماه ۱۳۸۵، ش ۷۵.
- ۴- سید ابراهیم حسینی، هویت، تفاوت‌ها و جهانشمولی حقوق بشر، مجله کتاب نقد، قم. پاییز ۱۳۸۴، ش ۳۶.
- ۵- هکتور گروس الپیل، جهانشمولی حقوق بشر و تنوع فرهنگ‌ها، ترجمه: ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، تهران. پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ش ۳۸.
- ۶- مجید عباسی اشلقی، تحول نظری مفهوم حقوق بشر و جایگاه آن در حقوق بین‌المللی، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، تهران. ش ۲۰۱ و ۲۰۲.
- ۷- حقوق بشر میراث مشترک جهانی، در آستانه سده ۲۱، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، تهران. مهر و آبان ۱۳۷۷، ش ۱۳۳ و ۱۳۴.
- ۸- سید ضیاء الدین مدنی، التزام بین‌المللی دولت به رعایت حقوق بشر: مقید به مکان؟، مجله تحقیقات حقوقی، تهران. ۱۳۸۷، ش ۳۸.

۹- فرهاد پروین، حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر اسلامی، همخوانی یا تعارض؟، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، تهران. مهر و آبان ۱۳۸۲، ش ۱۹۳-۱۹۴.

۱۰- عبدالحکیم سلیمی، نقش دین در حقوق بین الملل، مجله معرفت، تهران. مهر و آبان ۱۳۷۹، ش ۳۶.